

اسطوره چارچوب

(در دفاع از علم و عقلانیت)

کارل ریموند پوپر

علی پایا

یادداشت مترجم

کارل ریموند پوپر، فیلسوف اتریشی‌الاصل که به سال ۱۹۹۴ درگذشت، در زمرة پرتأثیرترین اندیشه‌سازان قرن بیستم به شمار می‌آید. حیطه گسترده فعالیت روشنفکرانه پوپر در طول عمر نسبتاً طولانی وی و تازگی و قوت آرایی که در هر زمینه مطرح ساخته، بر شمار زیادی از متغیران و صاحبنظران و نیز برنامه‌ریزان و کارشناسان و مسئولان امور اجرایی در حوزه‌های گوناگون تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم بر جای گذاشته است.

فعالیت نظری پوپر حوزه‌های متنوعی نظیر معرفت‌شناسی، متافیزیک، فلسفه علوم طبیعی و اجتماعی و انسانی، منطق، فلسفه کلاسیک، مکانیک کوانتمی، نظریه تطور، مباحث فرهنگی، فیزیک و ریاضیات را در بر می‌گیرد. اگر به این فهرست، حوزه‌های عملی کاربرد آرای او را نیز بیفزاییم، یعنی حوزه‌هایی نظیر پژوهشی، نوروفیزیولوژی، زیست‌شناسی، انسان‌شناسی، جغرافی، اقتصاد و سیاست، دامنه تأثیر اندیشه‌های او مشهودتر خواهد شد. در هر یک از این عرصه‌های نظری و عملی، دیدگاههای پوپر منشأ تحولات درخور توجهی بوده است، تا آنجا که کسانی که بخواهند در هر یک از این حوزه‌ها به فعالیتی جدی پردازند نمی‌توانند خود را بی نیاز از آرای او تلقی کنند.

در باب تأثیر آرای روش‌شناسانه پوپر بر دانشمندان علوم تجربی نکات زیادی از

۱. روزنامه‌های انگلستان چند سال قبل به عبار تأثیر گسترده پوپر بر دیدگاههای سیاستمداران در کشورهای اروپایی و امریکا بدوا کابینتساز (دولت‌ساز Cabinet Maker) لقب دادند. این عنوان در عین حال تلمیح داشت به حرفة نجاری و ساخت کابینت آشپزخانه که پوپر در دوران جوانی برای مدتی و قبل از اشتغال بدادریس، دنیال بکرده بود. واژه کابینت (کابینت Cabinet) در انگلیسی هم به معنای هیأت دولت است و هم به معنای قفسه و جعبه کشودار.

سوی آنان که خود در این حوزه‌ها از نزدیک دستی بر آتش تحقیق داشته‌اند بازگو شده است. به عنوان مثال پیتر مدادوار^۱، برنده جایزه نوبل پژوهشکی سال ۱۹۶۰ که از محضر پوپر خوش‌چینی‌های بسیار کرده است، در مصاحبه‌ای رادیویی درباره فیلسوف اتریشی یادآور شده: «به گمان من پوپر به گونه‌ای بی‌تفاس و بی‌بدیل بزرگترین فیلسوف علمی است که تاکنون ظهرور یافته است».^۲ جان اکلر، برنده جایزه نوبل فیزیولوژی سال ۱۹۶۳، نیز در مورد تأثیر پوپر بر اندیشه‌های خود تأکید کرده است: «حیات علمی من تا اندازه بسیار زیادی مدیون گفت‌وگو با پوپر در سال ۱۹۴۴–۱۹۴۵... و مدیون درس‌های پوپر در خصوص نحوه پیشبرد تحقیقات است... من کوشیده‌ام در صورت بندی و در نحوه تحقیق در حوزه مسائل بنیادین نوروفیزیولوژی از پوپر تبعیت کنم».^۳ برنده دیگر جایزه نوبل، یعنی ریاضیدان و اخترشناس سرشناس انگلیسی هرمان باندی^۴، تأکید کرده است: «در علم چیزی مهمتر از روش وجود ندارد و در حوزه روش نیز چیزی بیش از آنچه پوپر مطرح ساخته».^۵ پذیرش پوپر در آکادمی سلطنتی

1. Peter Medawar

۲. مصاحبه با کانال سوم رادیو بی‌بی‌سی، سی، ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۲.

3. John Eccles, *Facing Reality*, 1970.

روزنامه تایمز چاپ لندن در مقاله‌ای که بهمناسبت درگذشت پروفوسور اکلر در ماه مه ۱۹۹۷ درج کرد به این نکته اشاره کرد که اکلر در زلاندنو با پوپر که از اتریش به این کشور مهاجرت کرده بود و در یکی از بخش‌های دانشگاه فرال این کشور تدریس می‌کرد آشنا شد. اکلر در پژوهش‌های علمی خود از این فرضیه دفاع می‌کرد که سلولهای عصبی اطلاعات خود را به وسیله عالم‌الکتریکی منتقل می‌سازند. در برابر این فرضیه، یک فرضیه رقیب قرار داشت که انتقال اطلاعات را در تیجه عمل علام شیمیابی به شمار می‌آورد. با آنکه نتایج پژوهش‌های اکلر عمده‌تر فرضیه رقیب را تأیید می‌کرد، او همچنان در تلاش بود تا فرضیه مورد نظر خود را تثبیت کند. با این حال موقتیهای تجزیی فرضیه رقیب، نظریه انتقال عالم‌الکتریکی را تا حد زیادی تضعیف کرده بود. پوپر در گفت‌وگو با اکلر به او یادآور شد که دفاع او از یک نظریه نادرست، به این اعتبار که نشان داده حقیقت در جای دیگری نهفته است، نوعی پیروزی برای معرفت علمی به شمار می‌آید و بنابراین تلاش بیهوده‌ای نبوده است. به این ترتیب اکلر با تشویق پوپر مجدداً به تحقیق در خصوص نحوه انتقال عالم میان سلولهای عصبی مغز بازگشت و موفق به کشف این نکته شد که سیناپسهای غمز (محل اتصال سلولهای غمز) می‌توانند هم به عنوان محرك و هم به عنوان بازدارنده عمل کنند و بدون این عمل بازدارنگی، غمز می‌تواند در معرض شمار زیادی عالم متناقض قرار گیرد و کار آن مختل شود. همین اكتشاف جایزه نوبل فیزیولوژی سال ۱۹۶۳ را برای اکلر بهارمان آورد.

4. Herman Bondi

۵. منقول در منبع ذیل:

Brayan Magee, *Popper*, London, Fontana, 1973, pp. 9–10.

این کتاب را مرحوم متوجه‌برگمehr بدفارسی ترجمه کرده و انتشارات خوارزمی آن را به چاپ رسانده است.

علوم که برای اولین بار یک فیلسوف علم را به جمیع خود راه می‌داد نشان از تأثیر اندیشه‌های پوپر در حوزه‌های علمی دارد.

برای کسانی که در قلمرو علوم انسانی، سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی پژوهش می‌کنند نیز آرای پوپر از اهمیت و تأثیر بسیار زیاد برخوردار بوده است. برایان مگی، نویسنده سرشناس انگلیسی، با اشاره به تأثیر عمیق پوپر بر دیدگاههای متفکرانی مانند ارنست گومبریچ^۱، مورخ برجسته هنر، و سیاستمداران نامآوری مانند آتنونی کراسلنند^۲ و ادوارد بویل^۳ مذکور شده است: «هیچ فیلسوف انگلیسی زبان زنده‌ای از حیث این گونه تأثیرها با پوپر قابل قیاس نیست»^۴. پیتر لسلت^۵، فیلسوف سیاسی سرشناس انگلیسی، در مقدمه‌ای بر اولین سلسله از مجموعه فلسفه، سیاست، و جامعه، از پوپر با عنوان «پرتأثیرترین فیلسوف معاصر که به مسائل سیاسی پرداخته است» یاد کرده. فریدریش هایک^۶، اقتصاددان برنده جایزه نوبل نیز که به توصیه گانفرید هابرلر^۷ در هاروارد آرای پوپر را مطالعه کرد و سپس از پوپر برای انجام یک سخنرانی در خصوص منطق علوم اجتماعی در مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه لندن دعوت به عمل آورد، تحت تأثیر دیدگاههای پوپر آرای خود را در خصوص فعالیت بازار تعديل کرد و به دخالت معتقد دولت متعایل شد. هایک به علاوه تحت تأثیر کتاب منطق اکتشاف علمی پوپر مقاله مهمی با عنوان «اقتصاد و معرفت» در کتاب خویش اکونومیکا^۸ تحریر کرد، که از آن با عنوان نقطه عطفی در آرای وی یاد شده است.

شاید بتوان مهمترین اصول راهنمای عمل پوپر در طبی بیش از نیم قرن تکاپوی نظری و عقلانی را تلاش برای دستیابی به حقیقت و وصول به آزادی معنوی از طریق کسب معرفت به شمار آورد. برخلاف بسیاری از متفکران بر جسته قرن بیستم، که بدطیعت بشر و آینده جوامع انسانی با نگاهی بدینانه نظر کرده‌اند و نویسید خود را از دستیابی آدمیان به فلاح و صلاح ابراز داشته‌اند^۹، پوپر نسبت به آینده خوشین است و

1. Ernest Gombrich

2. Anthony Crosland

3. Edward Boyle

۴. برایان مگی، پوپر، ۱۹۷۳.

5. Peter Laslett

6. Friedrich Hayek

7. Gottfried Haberler

8. F. Hayek, *Economica*, London, 1937.

۹. بدغونان سه نمونه از این قبل متفکران می‌توان از جورج سانتایانا، و آیزا بولین و تئودور آدورنو یاد کرد. در خصوص دیدگاههای این سه تن بنگرید به سه منبع ذیل:

اعتقاد دارد انسانها ذاتاً خبیث و شریر و غیر قابل رستگاری نیستند، بلکه در خمیره آدمیان خوبی باکوتایینی به هم آمیخته است و می‌توان از رهگذر همراه ساختن بصیرت معرفت‌شناسانه با رویکردهای اخلاقی، بر این کوته‌بینی غلبه کرد:

مسئله اصلی زمانه ما — و من انکار نمی‌کنم که ما در دورانی پراشوب به‌سر می‌بریم — ناشی از خباثت یا شرارت اخلاقی نیست، بلکه به عکس، ناشی از اشتیاق و عطش اخلاقی شدید اما برخطار فه ماست: ناشی از اشتیاق شدید برای بهتر ساختن دنیا بی که در آن زیست می‌کنیم. جنگهای ما در بنیاد جنگهای دینی هستند: نبردهایی میان نظریه‌های رقیب در این خصوص که چگونه دنیا بهتری برپا سازیم و اشتیاق اخلاقی شدید ما غالباً به‌این جهت بهرا خطا کشیده می‌شود که ما در محقق ساختن اصول اخلاقی خود با ناکامی روپرور می‌شویم. اصولی که بدون تردید بیش از حد ساده شده‌اند، و غالباً نمی‌توانند در مورد شرایط بسیار پیچیده انسانی و سیاسی‌ای به کار روند که ما احساس می‌کنیم باید اصول خود را در موردنداش اعمال کنیم.^۱

زمانی آیزایا برلین این پرسش کائنا را مطرح ساخت که «در چه عالمی نظریه سیاسی امکان پذیر خواهد بود؟» پاسخی که خود برلین بدین پرسش داد آن بود که این امر تنها در عالمی که غایات با یکدیگر برخورد می‌کنند، ممکن می‌شود.^۲ پوپر با عنایت به‌این نکته، همواره کوشیده است تا سایلی را باید که از برخورد میان غایات در جهانی که باشتاد به‌سمت کثرت گرایی در حرکت است، جلوگیری کند. آموزه اصلی او در این زمینه را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: جنگ با کلام نه با شمشیر برکشیده از نیام.^۳ بدعبارت دیگر، به‌اعتقاد فیلسوف اتریشی، لازمه بلوغ عقلانی آدمیان آن است که

George Santayana, *Selected Critical Writings*, Cambridge University Press, 1968. →

Isaiah Berlin, *The Crooked Timber of Humanity*, Murray, London, 1990.

Theodore Adorno and Max Horkheimer, *Dialectic of Enlightenment*, New York, Herder & Herder, 1972.

1. Karl Popper, *Conjectures and Refutations*, Routledge & Kegan Paul, 1972, p. 266.

2. I. Berlin, «Does Political Theory Still Exist?», in *Concepts and Categories*, Oxford University Press, 1980, p. 149.

3. fighting with words instead of fighting with swords.

بیاموزند به عوض نابود ساختن یکدیگر، دیدگاهها و نظریه‌ها و اندیشه‌های خویش و دیگران را مورد تقاضی و ارزشیابی قرار دهند، و بکوشند در این مسیر، به آرایی شایسته‌تر و کارآمدتر دست یابند که زمینه مساعدت‌تری را برای رشد استعدادها و فعالیت یافتن امکانات بالقوه فراهم می‌آورد.

مخالفت پوپر با آرمانشهرگرایی، ریشه در توجه به این نکته دارد که کسانی که بهنیت بر ساختن بهشت تصورات خود بر روی زمین خاکی دست به کار می‌شوند، از سر خیرخواهی برای دیگران، معیارها و استانداردهای مورد قبول خویش را بر آنان تحمل می‌کنند، و برای نجات روح دیگران دست به نتفیش عقاید و تحمل عقیده می‌زنند و در نهایت بدراه عدم رواداری و خشونت کشیده می‌شوند. به اعتقاد پوپر، ناسیونالیسم نیز، در اشکال مختلف آن، نوعی از آرمانشهرگرایی است و چنانکه از تجزیه‌های تاریخی گوناگون بر می‌آید. از رهگذر نتایج و تبعات احیاناً ناخواسته این شیوه نگرش، فجایع انسانی بزرگی پدید آمده است.

اما مخالفت پوپر با اندیشه‌های مبتنی بر بر ساختن آرمانشهر، به معنای روی‌گردانی از همه ایده‌های کلی و اصول عامی که نقش راهنمای و الگوی عمل را بازی می‌کنند، نیست. به عکس این نکته مورد تأکید فیلسوف اتریشی است که بدون هدایت نظری، تلاشهای عملی کور و گمراخواهد بود. نکته بسیار حائز اهمیتی که پوپر، بخصوص در دوره‌های متاخر پختگی اندیشه خود بر آن تأکید ورزیده و برخی از شاگردان و شارحان او نیز، احیاناً به بسط آن همت ورزیده‌اند، آن است که در دو حوزه نظر و عمل، آموزه‌ای که هر اکلیتوس قرنها قبل مطرح ساخته بود، یعنی آموزه تغییر، می‌باید به عنوان اصلی ترین چالش تلقی گردد و در تلاش برای یافتن راه حل مناسب برای آن در دو حوزه متفاوت، از یکسو ضروری است به این مهم عنایت شود که هم نظریه‌ها و هم مسائل و هم اهداف ما دائمًا دستخوش تغییرند، و از سوی دیگر این توصیه روش‌شناسانه می‌باید آویزه گوش قرار گیرد که: در حوزه نظر برای پرهیز از سقوط بدورطه نسبی‌گرایی، و در حوزه عمل به منظور احتراز از لغزش به دامن آثارشیسم یا خشونت‌گرایی، می‌باید به برخی اصول راهنمای که در فراتراز قرار می‌گیرند تمسک جست. در حوزه معرفتی اساسی ترین اصل راهنمای، تلاش برای نزدیک شدن به حقیقت است، و در حوزه عمل و امور انسانی، برخی از مهمترین اصول راهنمای عبارتند از تلاش

برای کاستن از میزان آلام و رنجها و رفع موانع برای بدهفیلت رسیدن استعدادها. این اصول راهنمای، دو رهیافت متفاوت را در حوزه نظر و عمل توصیه می‌کنند: در حوزه نظر می‌باید با جسارت انقلابی بهارانه و ابداع و پیشنهاد مستمر نظریه‌های تازه و تلاش سرخستانه برای یافته جنبه‌های خط‌آمیز آنها دست زد. و در عرصه عمل می‌باید بدشیوه‌ای محتاطانه، و با بیهودگیری از مهندسی اجتماعی، در قلمروهای محدود، طرحهایی را که بمسوی اهداف اصلی این حوزه راهبر است، بمورد اجرا درآورده.

آثار متعددی که پوپر در طی عمر طولانی خود بر جای گذاشت، جملگی در راستای روشنگری در قلمروهای مختلف نظری و عملی نگارش یافته‌اند. این آراء خواه در حوزه مسائل فلسفی و خواه در حوزه مسائل اجتماعی، با موافقها و مخالفهای زیاد روبرو شده است. پوزیتیویستهای منطقی، مدافعان فلسفه‌های زبانی، هگلیها، مارکسیستها، جامعه‌شناسان معرفت، و برنامه‌ریزانی که به نظام برنامه‌ریزی مستمرکز و دولتشی خواهند اند از جمله سرخستترین معتقدان این آراء به شمار می‌آینند. اما مقدمه‌های مخالفان و اظهار نظرهای معتقدانه دوستان، به فلسفه اتریشی که در سراسر زندگی بر اهمیت تقادی تأکید ورزیده بود، کمک کرد تا بتدریج دیدگاههای خود را تنتیق و تکمیل کند و اندیشه‌های تازه‌ای ارائه دهد که در عین تأثیرگذاری، حاوی تقاطع ضعف کمتری باشد. وحدت اندیشه پوپر در بعد اخلاقی آن نهفته است: در تلاش بی‌وقفه کانت‌گونه در سرتاسر عمر برای حفظ پایه‌های امیدواری روشنگری و پیشرفتی که برای آزادی و اختیار آدمی نیاز است: در تأکید بر این باور که اندیشه و ذهن آدمی می‌تواند و باید نقشی قاطع در مسائل عملی مربوط به زندگی روزمره آدمیان ایفا کند، نقشی همتای آنچه عقل در فهم اسرار طبیعت ایفا می‌کند. در قرن بیستم تنها شمار محدودی اندیشور را می‌توان نام برد که از توانایی معرفتی، شجاعت روحی، بصیرت اخلاقی، و ایمان عمیق بدقابلیتهای آدمی برای دستیابی به فلاح و صلاح برخوردار بوده‌اند. اینها ممیزهای صفاتی هستند که برای تداوم پژوهه‌ای که اول بار در دوران روشنگری عرضه شد، ضرورت دارد.

پوپر در سالهای اقامت در زلاند نو و سپس انگلستان، دیدگاههای خود را در خصوص مسائل مختلف در کتابهای چندی از جمله جامعه باز و دشمنان آن^۱، منطق

۱. این کتاب که آنرا با برلن درباره آن گفته است: «اثری واجد پدایعت و قوت استثنایی... دقیق‌ترین و

اکتشافات علمی^۱، حسها و ابطالهای^۲، معرفت عینی^۳، خود و مغز آن^۴ به چاپ رساند. متن کامل تکمله بر منطق اکتشاف علمی که قرار بود در سال ۱۹۵۹ به چاپ برسد، تا دهه ۱۹۸۰ انتشار پیدا نکرد. طی این مدت برخی از آرای بدیع او به وسیله کسانی که نسخه غلط‌گیری نشده‌ای این متن برای نظرخواهی در اختیارشان گذاشته شده بود، بی‌آنکه بمنع اصلی اشاره شود، مورد استفاده قرار گرفت. این مجموعه بالاخره به همت یکی از بر جسته‌ترین شاگردان پوپر در سال ۱۹۸۲ در سه مجلد با عنوان‌ین، دنالیسم و هدف علم، نظریه کوانتوم و شکاف در فیزیک، و کیهان باز به چاپ رسید.^۵

پوپر در سالهای آخر عمر در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و پژوهشی در نقاط مختلف جهان به مطرح ساختن تازه‌ترین دیدگاه‌های خود در زمینه مسائل گوناگون در قلمروهای مختلف علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی اقدام کرد. برداشت خاص او از نظریه احتمالات و تفسیر جدیدش از علیت وی را به مدلی در خصوص یک کیهان تطوری‌بند و نامتعین که در آن علیتی ضعیف برقرار است که داشت کرد. این دیدگاهها نه تنها حاوی نتایج مهمی برای فیزیک بود که در قلمرو زیست‌شناسی، و علوم اجتماعی و انسانی نیز تبعات گسترده‌ای به همراه دارد.^۶

→ قدرتمندترین نقادی فلسفی و تاریخی از آموزه‌های مارکسیسم که به وسیله یک فیلسوف زنده مطرح شده است «بدوسیله آقای عزت‌الله فولادوند بدفارسی ترجمه شده و انتشارات خوارزمی آنرا به چاپ رسانده است.

۱. این کتاب در حوزه روش‌شناسی علوم تجربی، کتاب اصلی پوپر به شمار می‌آید. متن اصلی کتاب به آلمانی با تأخیر زیاد به انگلیسی ترجمه شد و همین امر در ناشناخته ماندن آرای او تا اندازه‌ای مؤثر واقع شد. بدعنوان مثال، کارل همیل و پل اوپنهام دو فیلسوف علم سرشناس مقيم امریکا در مقاله‌ای دورانساز مدلی برای تبیین علمی معرفی کردند که به مدل «قانون فراگیر Covering Law Model» یا مدل «قانونی-قیاسی دهه ۱۹۴۰ Deductive-Nomologic» شهرت یافت و تا این‌جا بدعنوان مدل استاندارد تبیین در بسیاری از قلمروهای علمی مورد استفاده بود. اما این مدل بیش از یک ده قل از این تاریخ در من آلمانی منطق اکتشاف علمی به وسیله پوپر معرفی و درباره آن بحث شده بود. بخشی از کتاب منطق اکتشاف علمی به وسیله آقای حسین کمالی بدفارسی ترجمه شده است.

2. *Conjectures and Refutations* 3. *Objective Knowledge*
4. Karl Popper, *The Self and Its Brain*, Routledge and Kegan Paul, 1977.

۵. مشخصات کتابنامه‌ای این سه مجلد چنین است:

- Karl Popper, *Realism and The Aim of Science*;
Karl Popper, *Quantum Theory and the Schism in Physics*;
Karl Popper, *The Open Universe*;
Routledge, London and New York, 1982–1983.

۶. بدعنوان نمونه جدیدی از آثاری که به‌این قبیل تأثیرات و نتایج دیدگاه‌های پوپر برداخته‌اند بنگرید به:

شماری از تازه‌ترین آثار پوپر، که عمدتاً مجموعه‌هایی از مقالات یا سخنرانی‌های اوی بودند، در دوران حیات وی منتشر یافتند. از جمله این آثار می‌توان به جهانی از استعدادها و امور بالقوه^۱، در جست‌وجوی یک دنیای بهتر^۲، معرفت و مسأله ذهن و بدن^۳، و اسطوره چارچوب^۴، اشاره کرد. بنیاد هوور وابسته به دانشگاه استنفورد که آرشیو کامل آثار و مستنوثمه‌های پوپر را در سال ۱۹۸۶ خریداری کرده است، در نظر دارد بتدریج آنچه را تاکنون به چاپ نرسیده، برای انتشار آماده سازد و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد. برخی از آثاری که به‌این شیوه و پس از مرگ پوپر نشر یافته عبارت است از درس این قرن^۵ (۱۹۹۷)، دنیای پارمنیدس: مقالات نهضت روشنگری فلسفه پیش از سقراط^۶ (۱۹۹۸)، و همه حیات حل مسأله است^۷ (۱۹۹۹).

اندیشه‌های پوپر مجموعه متنوعی را تشکیل می‌دهد که در عین وحدت و ارتباط نزدیک با یکدیگر، پرشماره و متعددند و از این رو فهرست کردن آنها به‌سادگی میسر نیست. به‌این اعتبار برای آشنایی با اندیشه‌های این متفکر مناسب‌ترین راه مطالعه مستقیم آثار اوست، چراکه شارحان یا ناقدان، صرف نظر از مواردی که به‌علل یا دلایل مختلف احیاناً از درک صحیح دیدگاه‌های او بازمانده‌اند و تصویری نادرست از آرای او ارائه کرده‌اند، حتی زمانی که با نظرگاه‌های پوپر انس و آشنایی دقیق پیدا کرده‌اند، هنگام معرفی آنها، به‌واسطه کثثر آموزه‌های حائز اهمیت، ناگزیر دست به گزینش زده‌اند، تنها به‌ذکر اندکی از یک مجموعه کثیر اکتفا کرده‌اند.

کتاب اسطوره چارچوب چنانکه از عنوان فرعی آن بر می‌آید دفاعی از علم و عقلانیت

Colin Simkin, *Popper's Views on Natural and Social Science*, E. J. Brill, Leiden, → 1993.

1. Karl Popper, *A World of Propensities*, Thoemmes, Bristol, 1990.
 2. Karl Popper, *In Search of a Better World*, Routledge, London, 1992.
 3. Karl Popper, *Knowledge and the Body-Mind Problem*, Routledge, London, 1994.
 4. Karl Popper, *The Lesson of This Century*, Routledge, 1997.
- ترجمه فارسی این اثر بدوسیله انتشارات طرح نو انتشار یافته است.
5. Karl Popper, *The World of Parmenides: Essays of the Presocratic Enlightenment*, Routledge, 1998.
 6. Karl Popper, *All Life is Problem Solving*, Routledge, 1999.

است. مقالات این مجموعه دربرگیرنده شماری از مهمترین آموزه‌های پوپر در سه قلمرو علوم طبیعی، اجتماعی و انسانی است. این مقالات، علی‌رغم تنوع مضامین و موضوعات، چنان تنظیم شده است که وحدت دیدگاه‌های پوپر را در قلمروهای گوناگون، حول محور بحث «عقلانیت» آشکار می‌سازد.

مسئله «عقلانیت» می‌تواند از زوایای مختلفی بررسی شود. بجز پرسش اساسی در خصوص چیستی عقلانیت، پرسش‌های مهم دیگری همچون وجه رجحان رهیافت عقلانی در مقابل رهیانهای غیر عقلانی، و نیز مقولات، امور و هویاتی که عقلانیت بدانها قابل اطلاق است نیز می‌باید در بحث عقلانیت مطمح نظر قرار گیرد.

برای عقلانیت تعاریف گوناگونی پیشنهاد شده است. برخی آن را با عدم ارتکاب تناقض در اندیشه مرتبط دانسته‌اند و از همین ابزار برای تعریف عقلانیت در حوزه عمل نیز سود جسته‌اند. برخی آن را فعالیتی هدفدار توصیف کرده‌اند. شماری آن را با تلاشی که برای حل مسائل (اعم از مسائل نظری یا عملی) صورت می‌پذیرد یکسان گرفته‌اند. در نظر گروهی نیز، عقلانیت معادل است با اتخاذ رهیافت نقادانه در مقابل امور و مسائل مختلف.

از نظمهای باور، نظریه‌ها، افعال و کنشها، افراد، و حتی نهادها و هویات اعتباری به عنوان مقولاتی که عقلانیت بدانها اطلاق می‌شود یا در موردشان کاربرد دارد یاد شده است. عقلانیت همچنین در تقسیم‌بندی دیگری به عقلانیت حداقلی و حداکثری قسمت شده است. کلی و عام و فراگیر بودن معیارهای عقلانیت یا وابستگی این معیارها به صور حیات خاص و متمایز نیز از جمله دیگر نکاتی است که در خصوص مسئله عقلانیت مطرح شده است.

در بحث از مسئله عقلانیت توجه به دو نکته مقدماتی مرتبط با هم می‌تواند تا حدود زیادی از دشواریهای احتمالی بعدی جلوگیری کند و امر تحلیل فلسفی را از همان آغاز در مسیری واقع‌بینانه‌تر سوق دهد. نخستین نکته آن است که عقلانیت در هر حوزه‌ای که مطرح شود یک پدیدار انسانی است و بهمین اعتبار از تحولاتی که در جامعه انسانی و دیدگاه‌های آدمیان پدید می‌آید تأثیر می‌پذیرد. دومین نکته آن است که دقیقاً بهجهت همین ماهیت سیال و متغیر، تلاش برای ارائه تعریفی جامع و مانع از عقلانیت که در همه زمانها و مکانها به نحو لا یتغیر و لا یتخلف صادق باشد، ظاهراً راه به جایی نخواهد برد.